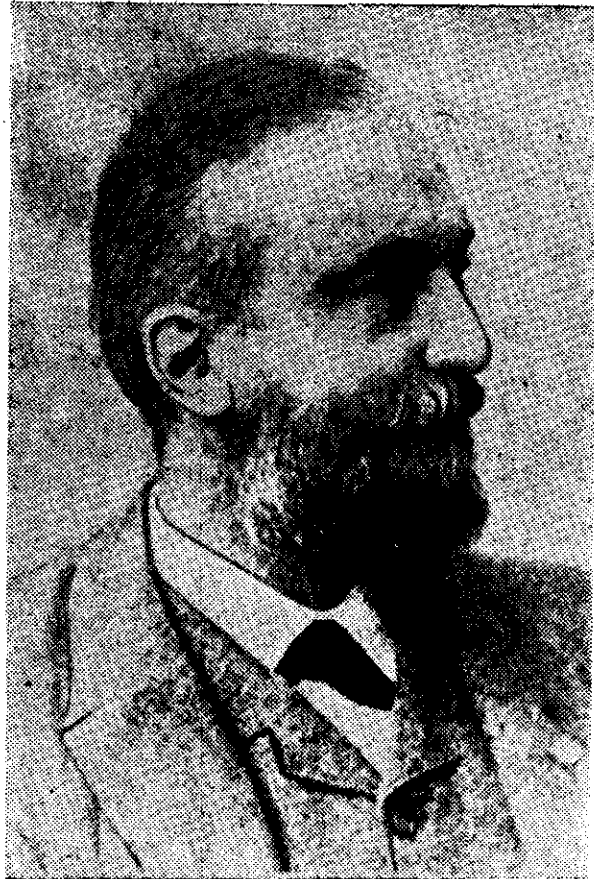
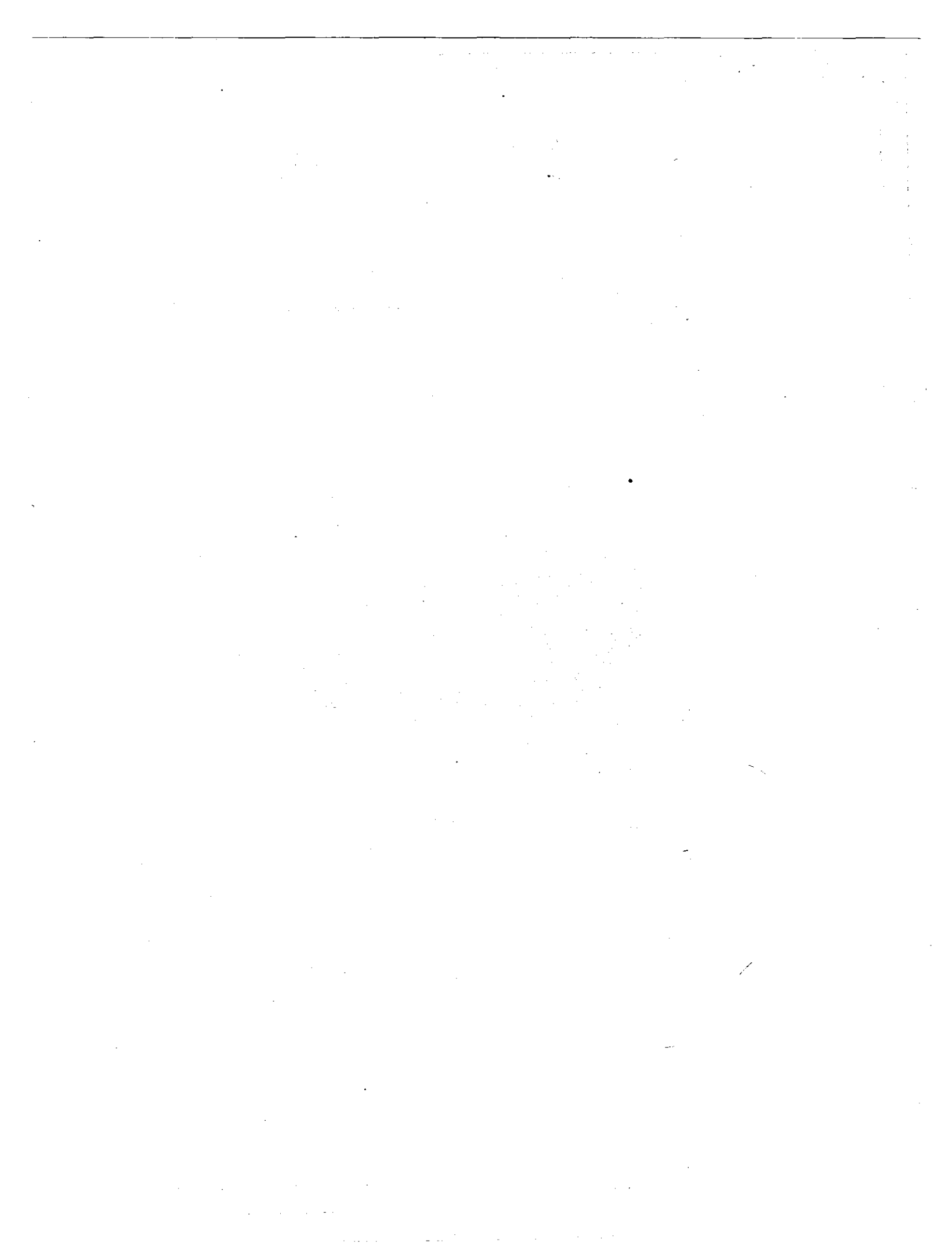


عبدالکريم





آهنگ بدیع قبل از انتشار بتصویب محفل مقدس روحانی طهران میرسد

از مشترکین گرام ک	ا	آهنگ بدیع	ا	اگر در میان کتب و
تاکنون وجوه اشتراك	ا	از انتشارات کمیون نشریه 'لجنه' جوانان بهائی طهران	ا	مجلات خود
خود را نپرداخته اند و	ع	وجه اشتراك	ع	شماره هائی از
یا موعده اشتراکشان	ل	۹ شماره	ل	مجله 'نجم باختر'
مقتضی شده مستدعی	ا	۱۰ شماره	ا	روزنامه 'خورشید'
است برای پرداخت	ن	۵ شماره	ن	خاور و اخبار امری
وجه و تجدید اشتراك	ا	آدرس مجله	ا	دارید آنها را
تمام روزها از ساعت	ت	حضیر قالدس ملی صندوق مکاتبات مجله 'آهنگ بدیع'	ت	بکتابخانه 'آهنگ'
۶-۲ بعد از ظهر		جنب در پیورودی مجمع جوانان		بدیع هدیه فرمائید
بد فتر مجله واقعه				یا باد ریافت قیمت

آنها را در اختیار کتابخانه مذکور بگذارید • در حضیر قالدس مراجعه فرمایند •

آقای روح الله بهائی در جلد مجله 'البشاره' آقای کامران مفیثی سه جلد مجله 'نجم باختر' آهنگ بدیع ارسال داشته اند از بذل مرحمت ایشان بسیار تشکر میکنیم •

اعلان

در مسابقه 'تاریخی واجتماعی و تحریریک داستان' مسابقه تاکنون عدّه 'قلیلی شرکت و نتیجه مطلوب حاصل نگشته است •

هیئت تحریریه 'آهنگ بدیع' در تصویب و احکام و اصلاح مقالات مختار است •

تک شماره ده ریال

فهرست مندرجات

۱- جوانان عزیزبائی در طهران	صفحه ۳ و ۴ و ۵	بقلم آقای علی اکبر فروتن
۲- نفعات مشکبار	۶	-
۳- حضرت ولی امرالله	۷ و ۸ و ۹	بقلم آقای علی اکبر فروتن
۴- حضرت عبدالبهاء در امریکا	۹	ترجمه آقای الی ظهیری
۵- ادبیات	۱۰	قصیدهاز جناب سینا سدهی
۶- صلح یا مقصد اهل بقاء	۱۱ و ۱۲	بقلم آقای سیروس ارجمند
۷- اخبار	۱۳ و ۱۴ و ۱۵	-
۸- شرح حال پرفسور کتر فزوال	۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹	نقل از مجله اخبار امری
۹- اطفال	۲۰	بقلم آقای روحی اریاب
۱۰- هنرمندان	۲۱ و ۲۲	بقلم آقای ابراهیم منصوری
۱۱- نهنگ آتش	۲۳ و ۲۴	بقلم آقای اشراق خاوری

عکس روی جلد پرفسور کتر آگوست نورال (مربوط بصفحه ۶ و ۷ و ۸ و ۱۱)

شهر العزّة من سنّالجماد ۰۳ ابدیع تقویم آهنگ بدیع من الواحد السادس من کل شیء الاول

ایام هفته	شهر العزّة شهر	شوال	سینا	ایام هفته	شهر العزّة شهر	شوال	سینا
یکشنبه بها	۱۷	۱۱	۸	۴شنبه مشیة	۱۱	۲۷	۲۱
دوشنبه جلال	۱۸	۱۲	۹	۵شنبه علم	۱۲	۲۸	۲۲
سه شنبه جمال	۱۹	۱۳	۱۰	جمعه قدرة	۱۳	۲۶	۲۳
چهارشنبه عظمت	۲۰	۱۴	۱۱	شنبه قول	۱۴	۳۰	۲۴
پنجشنبه نور	۲۱	۱۵	۱۲	یکشنبه مسائل	۱۵	۳۱	۲۵
جمعه رحمة	۲۲	۱۶	۱۳	دوشنبه شرف	۱۶	مهر	۲۶
شنبه کلمات	۲۳	۱۷	۱۴	۳شنبه سلطان	۱۷	۲	۲۷
یکشنبه کمال	۲۴	۱۸	۱۵	۴شنبه ملك	۱۸	۳	۲۸
دوشنبه اسما	۲۵	۱۹	۱۶	۵شنبه علاء	۱۹	۴	۲۹
سه شنبه غرة	۲۶	۲۰	۱۷				

جوانان عزیزبهای طهران یکمال دقت قرائت فرمایند

بقلم آقای علی اکبر فروتن

چنانکه خاطر محترم کلیه جوانان عزیزبهای در مدینه رسائی شود و نفوس رحمانی گردد

دستان عزیزایران که همواره آرزو مند اجرای اوامر مبارکه مولای رؤف و مهربان ارواحنا فداه بوده میباشند در سنه ۹۹ برای انجام این وظیفه مقدسه عاشقانه قیام نمود و ترک خانه و کاشانه کرده رو بد یار غربت درد اخل و خارج ایران نهاد و در سبیل تحقق این منظور خطیر از مال و منال و راحت و آسایش گذشته و در مالک و دیار بر حسب میل و آرزوی شدید حضرت عبدالبها ارواحنا لمرسه الا طهر فداه پراکنده شد ، و لکن متاسفانه بر اثر حوادث نامطلوب و وقایع غیرمنتظره و تضییقات حاصله و تحدیدات و تهدیدات موجود و فشار مالی و اقتصادی و غیره که کاملاً بر عزم جوانان عزیز واضح و مشکوف است جمع کثیری از آن نفوس زکیه منقطعه در حالیکه بعضی بکلی از هستی ساقط شد و برخی خسارات شدید مجبور به معاودت با وطن اصلیه گردیده اند با وصف این مولای توانا ارواحنا فداه مستمرا و متوالیا کتاب و تلخ را فیا اهل بها اراد را این اقلیم پرابتلا صلای زده و آنان را بقیامی جدید و اقدامی بدیع در این سبیل دعوت نموده و لکن تفرق و پراکندگی اخبار را از نقاط پر جمعیت بنقاط کم جمعیت بی درین تأکید فرموده و در ترویج منیع مبارک مورخ ۷ شهر العلاء سنه یکصد و دوم تاریخ بدیع که بافتخار محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران صادر شده باین بیانات موکده

چنانکه خاطر محترم کلیه جوانان عزیزبهای در مدینه رسائی شود و نفوس رحمانی گردد

منوره طهران مسبوق و مستحضر است مولای توانا ارواحنا لعظمته الفدا از چند سال قبل باینطرف انظار قاطبه بهائیان ایران را با اهمیت لزم اجرای یکی از اعظم وصایای مقدسه حضرت مولی الوری جل ثنائه و ذکره یعنی امر مهم مهاجرت مصطوف و متوجه فرموده و بعموم یاران حضرت رحمن این بیانات متمالیه و دستورات مطاعه مقدسه را که در الواح مبارکه و وصایای حضرت عبدالبها نازل گردیده کراراً و مراراً ابلاغ فرموده اند قوله الاحلی :

ای ثابتان بر پیمان این طبریا و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملاء اعلی نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد باید افتنان ثابته را سخه بر میثاق الله که از سدره تقدیس روئیده اند با حضرات ایادی امر الله علیهم بها اللهم و جمع ایران و دستان بالاتفاق بنشر فحاح و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نماید

هقیقه آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند در مالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند

دقیقه نیاسایند و آنی استراحت نکنند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعره یا بهی الابهسی زنند و در هر شهری شهره آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع پرا فروزند و در هر محفلی نار عشق بر افروزند تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم عفری در ظل کلمه الله آید و تفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و غلبه

متعالیه ناطق گردیده اند قوله عزیزیانه :

" راجع بامر مهاجرت فرمودند بنویس با وجود محن و بیایات وارده و شدائد و مشقات عدیده و هجوم دشمنان امر حضرت رب البریه یاران عزیزان باید امر مهاجرت را در این ایام که جنگ بین المللی خاتمه یافته و برادران و خواهران روحانی در اقالیم متعدده در شرق و غرب بطرح نقشه های مختلفه و اتخاذ تصمیمات مهمه، تلخیصیه و اعزام مبلغین و تشویق مهاجرین و فتح اقالیم و مدن و ممالک مستقله مشغول و مألوف اهمیت - فوق العاده دهند و یاران را ایلا و نهرا را پیش از پیش تشویق بمهاجرت با اقالیم مجاوره علی الخصوص خطه هندوستان و بلوچستان و کردستان و افغانستان و عراق عرب و اماره کویت و اقلیم یمن و حجاز و جزیره بحرین نمایند و پس از دقت و مشورت کامل و تهیه و سائیل فاصله و تدارک اسباب من جمیع الجهات بکمال حزم و متانت باین امر خطیر در این سنین اولیه قرن ثانی د ویردیع اقدام نمایند و با محافل مرکزی اقالیم مسجاوره قبل از اعزام و اقدام مشورت تام نمایند تا مشکلات حادثه در سنین اخیره در اثر مهاجرت جمعی از یاران غیر روخدهم بخطه عراق تجدید نگردد و نتایج عظیمه مطلوبه حاصل گردد و مراکز جدید منحل نشود و د اثره امرالله یوما تیبوا اتساع یابد و هموطنان اسم اعظم در میدان مجاهدت و تبلیغ و فتح اقالیم و تسخیر مدن و دیار و انتشار آثار و رفع لوا امر ب مختار مشارالینان گردند و گوی سبقت را از کل بر بایند و فته ظالمان در آن سامان خائب و خاسر گردانند . "

حکمت اینهمه تا کیدات شدیدیه مبارکه بر کفیل

واضح و معلوم است و احتیاج بشرح و بیان نیست.

مهاجرت احبب از نقاط پر جمعیت بهائی بنقاطی که عده یاران قلیل و مالی حال امر مبارک در آن محلها نفوذ ننموده

اولا - سبب از دیاد مراکز امریه است .

ثانیا - علت استحکام اساس محافل روحانیه موجوده است .

ثالثا - سبب هدایت نفوس طالبیه مستعدیه در نقاط و محلهایی است که تاکنون از استماع کلمه الله محروم مانده و کسی امر مبارک را بانان ابلاغ ننموده است .

رابعا - موجب اشتغال و انجذاب خود هجرت - کنندگان است .

خامسا - سبب تولید شور و انجذاب در جمع اهل بهای در کلیه نقاط امریه است البته کلیه حکم و مصالح این امر مبارک ب فکر ناقص و محدود بشری ادراک نشود و بعدد عقول جزئیه جمیع اسرار و رموز خفیه این دستور آسمانی کشف نگردد .

تاریخ تمدن و ترقی بشر شاهد و گواه است که در عالم جسمانی و روحانی مهاجرت سبب حصول ترقیات عظیمه بوده و نتایج کلیه از آن بمنصه بروز و ظهور رسیده است .

جوانان عزیز بهائی در طهران که در این مقاله روی سخن با ایشان است باید پیش از دیگران به اجرای این امر مبارک قیام نمایند و در تنفیذ این دستور مقدس بذل مجاهدت نمایند زیرا :

اولا - بزیر کمالات صوری و معنوی آراسته اند .

ثانیا - برای اغلب از ایشان وسایل مادی مهاجرت

فراهم است .

ثالثا - غالباً دارای حرفه و صنعت میباشند و میتوانند با آسانی در محل مهاجرت امرار معیشت نمایند .
 رابعاً - جوانانیکه در زندگی متدولت اند میتوانند از ادراکات متبوعه تقاضای انتقال بولایات نمایند .

خامساً - بهر محل وارد شوند میتوانند در دواثر امری بخدمتگذاری مشغول گردند خلاصه و وسائل و موجبات اجرای امر مهم و خطیر مهاجرت کاملاً برای جوانان عزیز طهران فراهم و مهیا است .

علاوه بر این اگر صد نفر جوان دانشمند و مطلع حیات خود را در قرا و قصبات ایران که یاران آلهی در آن نقاط علی الخصوص جوانان و نوریسیدگان احتیاج شدید بشوق و مری و معلم دارند و بواسطه بیسواد ی و بسی اطلاعی از جمیع مواهب این کور رحمانی محروم ماند ما وقف خدمت بامر الله نمایند دیری نخواهد گذشت که نقاط تاریک روشن و خازن جهل و نادانی تبدیل بگلزار گلشن گردد .

جوانان عزیز نگارنده این مقاله بخوبی واقف است که شما سر بازان مطیع جان بر کف قائد و سردار ملوکوتی اهل بها حضرت ولی امر الله ارواحنا لا لطفه الفدا میباشید و نقد عمر را برای تحصیل رضای مبارک او میخواستید بر سایر مفاخر و مناقب خود این مفخرت و منقبت را هم بیفزائید و عاشقانه پیام باجرای دستور مقدس مولای یگانه فرمائید و امر مهاجرت را که سنین اخیر در رپوته تأخیر و تعطیل مانده اجراء نمائید و در این مورد از جوانان عزیز امریکا و هندوستان و اقالیم سائره عقب ننمایید یقین کامل حاصل است که اگر شما

باین امر قیام نمائید جنود تائید چنان نصرت نمایند که کل حیران و وواله مانند زیراتاکون دیده شده که شما جوانان عزیز بهر کاری دست زده اید از پیش برده اید اگر در این میدان قدم گذارید اعمال شما سر مشق همه قرار خواهد شد گرفت بیاد آورید که جانبازان و فداکاران نامی در صد را مبرک غالباً از جوانان رحمانی نورانی بوده اند باید در این موضوع تأسی بآن نفوس زکیه منقطع نمود تا نام شما در تاریخ امر محلیه ابدیت آراسته گردد و قلب الطف انسور مبارک از شما سرور و ممنون شود .

خاتمه این مقال را ببیان مبارک ولی امر حضرت ذوالجلال زینت میدهم لیکن ختامه مسأله قوله الاحلی : " قوموا یا احبا الله کتفس واحده علی نصره هذا لا مرا لرفع الاعزاز الا قدس البدیع ان ابدلوا جهدکم و اصر فوا و اوقاتکم و افسدوا راحتکم و رخائکم و انفقوا اموالکم و اهجروا و اوطانکم و انصرفوا عن کل مال دیکم خدمه لامر و ابتغوا لمرضاة و اعزازا لموسساته و اثباتا لنفوذ کلمته و احقاقا لذینسه الغالب الواضح المهین المتعالی الفرد تالسه الحق هذا ما یلیق لکم و لشاء تکم و مسامکم و لکل من سمع و اجاب ندائکم فی ذلك الصقع الذی اختصه الله بفضله و رفع شأنه و جعله موطن نفسه و مهد امره و مکمن اسراره و کرسی اقتداره و حوصین دینه و مهبط انواره و مطلع فرج العالمین الصهد منکم یا اولیاء الله و الوفاء من ریکم الکریم و مولاکم الشاهد الحافظ الناصر العظیم "

(انتهی)

سال اول

بقیه از شماره قبیل

که بیک اشراق مستشرق میشود

سموات افند و ممکات و بعد رانثباع

در صورت و مرایا مختلف میشود باختلاف نفس مرایا که بعضی

در علو فطرت و سموهت و اقبند و برخی در رد نوحودت و

هبوط خمودت متکی لکل مراتب عن الله و کل الیمرأ

اریاب بصیرت را بصری چون حدید باید و قلبی باندا

وجود که تا فرصت در دست هست آنرا مشاهده جمال

منع نماید و این را از ما حیوان ممنوع نسازد تا از جمیع

طعم محظوظ شود و نصیب بردارد و دیگر چه لازم دارد

که با قوال ناس متمسک بشود یا بافعال عباد متهتک

آید کل یشریون من ماء واحد و یستقون من بحر واحد و لکل

درجات عند ربك و کل علی ما هم علیه لسانرون امروز

در نفسیکه موثمن بطلعت اعلی و موقن بمقام اود رعرش بعد

از او باشد کفایت میکند از هر علمی و از هر عملی و رضای او

ایمان او باو محقق نمیشود مگر باطاعت امر او و زکل شئون

اینست نتیجه اعظم و اقبح اقم لالدون الله من غایة و

لا لخیرة من نهایة و کل آنچه ذکر شد از اوصاف شط این

مثلی بود که از قلم جاری شد از اوصاف شط فکرتود بر نمود

تا جمیع اسرار علیه از حجاب قرب و بعد و عالی و دانسی

منزه شده کشف جمال نماید و ادراک نماتا در این بحر

البحور را کل بحور چون قطره خواهند بود در نزد عظمت

او که چگونه در منبع ذات مبارکه و معدن صفات مبروکه

خود متموج است و قل سبحان الله ما اعجب امرک و ما

اعظم قدرتک و ما اکبر سلطنتک و ما اقهر کبریاک و ما تعلم

مک شیئا الا بما انت علمت ما من عندک عن لسان مظهر

نفسک و منبع ذاتک و معدن امرک و مکن حکمک و انک

آهنگ بدیع

* * * * *

نجات مشبار

* * * * *

شماره چهاردهم

انت العالم بکل ما خلق و یخلق

انتک انت الحق علام الخیوب

یا جو ادیک حرف برتوالقا مینمایم محض رحمت و

و شفقت که از جواهر کتب و سوانح صحف اخذ

شده تا از سحاب احدیت ما صدیت بر حقیقت

تو و حقائق عباد جاری و نازل شود تا بحیات ابدی

زندگانی سرمدی فائز گردی و آن اینست :

فاملکوا قلبا جید احسنا منیرا لتطلوا ملکبا قیسا

دائما از لاقدیما اینست کنزی که متعلق بشما است

و اگر زنده و قائم شود هرگز نمیرد و فانی نشود و هذا

نور لا یطفی و کنز لا یفنی و قص لا یبلی و ظهور لا یخفی

و به یضل کثیرا و بهتد ما خرون حمد کن خدارا که

محل القای این کلمه جامع صورتها و لا هوتیه و این

قلمه جبروتیه شدی و محکمتر از این کلمه چیزی

نیافتیم و الا القاء مینمودم نصیحتی اعظمتر از این کلمه

مذکوره نه فاحفظوها ان تردون ان تجدون الی

ذی العرش سبیلا نظریحب این عبد بآنجناب

این جواب نوشته شد و الا ابدا میل تقریر

و تحریر حرفی ندایم و کفی بالله شهید اوعلیکم و کیسلا

اذ اقم برجل الحدید علی الصراط الذی مددناها

علی ارض الروح البیضا و بعین اللهب فانظر الی

ارکانهها و قوامها و یسمع الیا قوتا سمع ما ظهرونها فیما

سئلت عنها و یکف الذهب و اصابع القدر تخدما

فیها و علیها و یلسان صف و غن و رن و کف و د فبانه

لا اله الا هو ان علیا قبل محمد ذات الله و کینونیه

الباقیه و محمد قبل علی معدن امراضه ذات الله

الذائمه و طلعتة العی مکن حکم الله و انیتة القاء

و حروف الحی اول مومنین بالله و آیاته و انا کل به

مستسئون و ان هد الکلمة یفصل بین الحق و الباطل

الیوم الذی یقوم الساعة اذ اکل بحضرون بین

ید الله و کل بامرہ قائمون و البها علی من امن به

یوم لقاؤه و کان بین یدیه من القائمین (انتهى)

و بنای آن مقام اسنی و استقرار عرش نقطه اولی متدرجا
 ظاهر و پدید آرگشت اراضی مجاوره آن مقام محموه در قلب
 جبل کرمل بهمت یاران جانفشان الهی ابتیاع گشت
 و بار ارض موقوفه قبل منضم شد و قیمت کافی موقوفات
 جامعه بهائی در آن بقعه مقدسه بنیم ملیون جینه
 برسید و شعبه دوم محفل مرکزی بهائیان آمریکا و هند و
 بر حسب توانین حکومت فلسطین تاسیس شد و قسمتی
 از این اراضی جدید ابتیاع پس از اجراء و اتمام سی^۲
 معامله قانونیه در اداره ثبت اسناد و معاملات الناقض
 الاکبر و ابینه باسم شعبه محفل ملی بهائیان آمریکا
 انتقال یافت طولی نکشید که این اراضی وسیع بتما^۳
 از رسوم دولتی معاف گشت و از اوقاف بین المللی جامعه
 بهائی محسوب شد حجرات آن ضریح مقدس مطابق
 اراده نافذه بانی آن مرقم نور تکمیل گشت و طبقات
 آن مقام مطهر امتداد یافت محفظه آثار بین المللی -
 بهائیان تاسیس شد و آثار نفیسه مشتته در سه حجره
 متصل بان رمس مطهر جمع و منتظم گشت گلزار مقام
 اعلی نزهتگاه عموم از طبقات و طوائف مختلفه گردید و
 بر آستانه و عظمت آن مقام رفیع بیفزرد موقوفات جدید
 در مرجع عکا و جنوب فلسطین و ماوراء نهر اردن تاسیس
 گشت و قصر رفیع جمال قدم پس از آنکه چهل سال مرکز
 و مسکن شخصی ناقضین ناگین بود رغمالا نفهم تخلیه
 گشت و تعمیر و روشن شد و از مالیات معاف گشت و از
 موقوفات بین المللی جامعه بهائی محسوب گردید و

خدمت ولی امر

(بقیه از شماره قبل)

آن مملکت ابتیاع گشت و اراضی وسیع که مساحت
 حال از سه ملیون متر مربع متجاوزد رخاچ عاصمه
 آن اقلیم در دامنه جبل البرز مشرف بر ارض مقدسه
 جهت بنای اولین مشرق الاذکار بهائیان ایران
 ابتیاع شد و بموقوفات ملی بهائی در آن سلطان منقسم
 گشت حظا ثر قدس ملی مراکز اداری نمایندگان جامعه
 بهائی در مدینة الله و ارض طاود رجوارام المعابد
 غرب و عاصمه هند وستان و عاصمه اقلیم مصر و ولین
 مرکز امرالله در قاره استرالیا تاسیس گشت و مدارس
 تابستانه و محاهد مختلفه متعدد جهت ترویج -
 مصالح امام الرحمن و جوانان و اطفال جامعه
 تاسیس یافتند فترین الملی بهائی در قلب قاره
 اروپا و مرکز جمعیت ام تشکیل شد و الواح اصلیه
 بر حسب تحلیلات محافل روحانیه در ممالک شرقیه
 استتساح گشت محافل جدید التاسیس بهائیان
 با انجمنهای متنوعه عمومی در امور عام المنفعه
 و ترویج مصالح هیئت اجتماعی و مساعی خیریه
 اشتراك نمودند و باب مذایره و مراسله جهت
 تبشیر امرالله و احقاق حقوق مظلومین گشودند به
 ملوک و امرا و وزراء و علماء و با کتبیجه و صحف الهی
 را تقدیم نمودند و در اثبات عمومیت و جامعیت امر
 الهی بکمال شجاعت و ثبات من دون ستر و خفا جنم
 بلیغ مبذول داشتند (انتهی)

بدیهی است که در ظل ظلیل مولای توانا

ارواحنا لطافه القدا^ء امرالهی دائره اش باین وسعت
رسید هواهل بها^ء باینهمه فتوحات باهره و انتصارا
جلیله در میدان خدمتگذاری بامرحضرت احدیه موفق
و موید گردیده اند زیرا کشتی امرخد اوسفینقالله در دری
بلایا و روزایا فقط بد لالت ملکوتی و رهنمائی الهمی ذات مقدس
مولای توانا آن ناخدا ی کشتی امرالله ارواحنا لقرته
القدا^ء از امواج سهمگین مصائب و نوائب و با^ء و ضرا^ء
و مخالفت اعدا^ء و مقاومت خصما^ء و حیل و تزویر ناقضین
عهد الله محفوظ و مصون مانده و سلامت وارد ساحل
نجات گردیده و راکبین سفینه^ء حمارا بسر منزل مقصود
رسانیده است .

هیکل مبارک مقدس حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه
راحت و آسایش خود را برای هدایت و تربیت من فی العالم
و ارشاد بنی آدم فدا نموده و شب و روز بدون ادنی آرامش
و سکون قلم را بر روی اوراق جولان داده و جمیع آنات
و ساعات حیات گرانبها و مقدس خویش را صرف تنبیه و تذکر
اهل بها^ء فرموده اند .

نگارنده در اوقات تشریف بساحت اضح اقدس شا^{هد}
و ناظر شواغل و فیره و مشاغل کثیره^ء هیکل مبارک بوده
و از مشاهده شدت و کثرت زحمت آنحضرت همواره متأثر
و متالم و متحسر بوده است .

هیکل اقدس معمولا ساعت پنج صبح مشغول تحریر
میشوند و تا ساعت ۶ عصر متوالیا بکار مشغولند ساعت ۶
که از مکتب مبارک (اطاق تحریر) بیاین نزول اجلال
میفرمایند زائرین و مسافرین بناحت اقدس تشریف حاصل
مینمایند هیکل مبارک یاد بعضی از خیابانهای شهر
حیفا با اتفاق زائرین قدم میزنند و با مقام اعلی برای

زیارت و دادن دستورات لازمه بیباغبانان و
پاسبانان تشریف فرما میشوند و بقدر یکساعت در
این موقع لسان مبارک بنصائح و اندرز و تذکرات
لازمه و بیان حقائق امریه و تفهیم اصول نظم بدیع
الهمی مشغول بعبارت آخری بنان مبارک مشغول
استراحت و زبان اطهر بیبیا^ء ما^ء لوف و ما^ء نوس
است حتی در وسط خیابان نیز ما^ء مورین پست و
تلغراف مکاتیب و تلخرافات واصله را حضور
مبارک تقدیم مینمایند پس از مراجمت به بیت
مبارک و مرخص شدن رجال حضرات اما^ء الرحمن
حضور انور مبارک مشرف میشوند و قرب چهل دقیقه
لسان اطهر در تالار بیت مبارک بیبیا^ء مطالب
روحانیه مشغول پس از مرخص شدن حضرات
اما^ء الرحمن هیکل مبارک مجددا بامکتبه تشریف
برده پست آنروز را مفتوح و مطالعه میفرمایند و تا
هر وقت که تنظیم و ترتیب امور مربوطه با اوراق و مکاتیب
واصله بطول انجامد هیکل مبارک بیدار و مشغول
کارند . ملا حظه فرمائید که در شبها نروز چند
ساعت اوقات مبارک مشغول است و چگونه مغمور
بحر شواغل کثیره و مشاغل و فیره اند رسیدن جمیع
امور از جزئی و کلی مانند گلکاری باغچه های مقام
اعلی و مراقد شریفه^ء حضرت ورقه^ء مبارکه^ء علیا و
ورمسین اطهرین حضرت فغن الله الاطهر و والد^ء
ماجد^ء حضرت مولی الوری و روضه^ء مبارکه در عکاس
همچنین تنظیم اطاقهای قصر مبارک و ترتیب کتب
حتی نصب عکسها بدیوار و مرتب ساختن امور و محفظه
آثارین المللی ارض مقدس و محفظه آثار حضرت

ورقه مبارکه علیا و غیره و غیره کل تحت نظر مخصوص
 ذات مقدس مولای توانا ارواحنا داده است و آنهمه
 امور عظیمه که مورد استعجاب و شگفتی ناظرین و وار دین
 از بار و اغیار است بکمک سه چهار نفر باغبان و پاسبان
 انجام داده میشود . سبحان الله قوه عظیمه
 الهیه چه میکند فی الحقیقه قویترین و مقتدرترین فرد
 انسانی از انجام دادن قسمتی از این امور متنوعه آنها
 بآن نظم و ترتیب آلهی ملکوتی البته عاجز و قاصر است
 شنیدن کی بود مانند دیدن باید شخص بچشم خود
 ببیند تا بتواند حقیقت این موضوع را ادراک نماید والا
 بگفتن و شنیدن حصول نتایج بسیار مشکل است
 بطور خلاصه میتوان گفت که هیکل مبارک از شدت
 کار و حجم مشاغل خویش را از صبح تا شام و از شام تا
 سحراد را طاقی محقصر محبوس و مسجون نموده اند

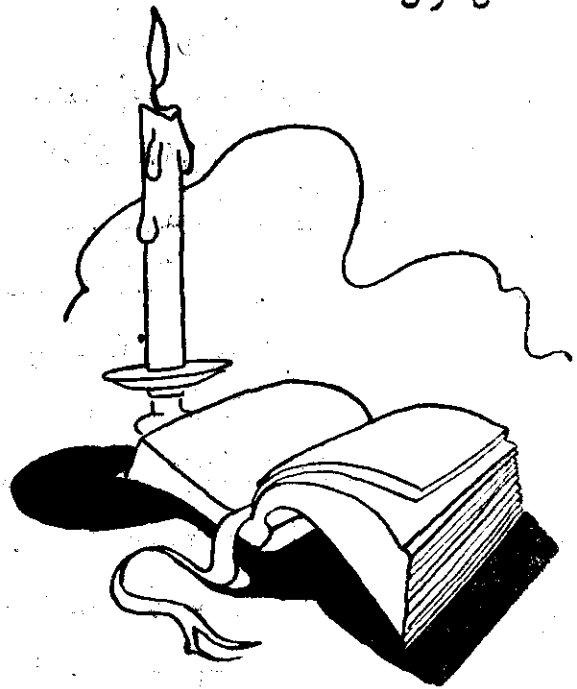
و جمیع راحتها و آسایشها را بر خود حرام فرموده اند
 بد رجه که اگر مسافریین و زائرین در ارض اقدس
 مشرف نباشند شاید چندین روز از بیت مبارک بیرون
 تشریف فرمان نشوند .
 آری تا وجود مبارک خود را اینطور ندای اهل عالم
 نکند کی انوار شمس حقیقت آفاق تلو بنفوس را روشن
 و منور خواهد نمود و کی اینها بشر بسر منزل
 حقیقت هدایت و دلالت خواهند گردید بساری
 شرح و تفصیل این موضوع از حوصله این مقام -
 بیرون است . در اینصورت سزاوار و شایسته
 آنکه ما اهل بها مومنانی بمولای توانا نمائیم
 و در سبیل هدایت اهل عالم از راحت و آسایش خود
 صرف نظر کنیم و شب و روز در سبیل هدایت نفوس
 مستمنه مطالبه و اعلا کلمه طیبه آلهیه بکوشیم انتهی

از نجم باختر

حضرت عبد البها در امریکا

ترجمه آقای الی ظهیری

در امریکا خانمی بحضرت عبد البها عرض میکند که من امروز خوشحال نیستم و رضایت از خود ندارم حضرت -
 عبد البها بوی خطاب نمود و میفرماید که این نشانه از تکامل انسان است چه آنکه رضایت از خویشتن را
 باشد مظهر صفات شیطان است و آنکه اظهار عدم رضایت از نفس خود کند مظهر صفات رحمن است .
 آنکه خود را پرستش و ستایش نماید هیچگاه بسوی تکامل نرود لکن کسیکه خطاهای خود را از دیدگان دور
 ندارد در اصلاح خویش میکوشد و با نتیجه در راه ترقی سیر خواهد نمود .
 آنکه واجد هزاران صفات رحمانیه باشد باید که اهمیتی بران قائل نشود بلکه بخطاهای خود ناظر باشد
 شخصی که عمارتی را مالک است که بنحو کامل مزین و در نهایت استحکام بنا شده ولی یکی از دیوارها یا سقف
 آن خراشیدگی وجود داشته باشد شبیه نیست که بایستی هر چیزی را فراموش نموده بمرمت خراشیدگی
 پرد از تاعمارت جلوه کند . بعلاوه چون کمال مطلق برای انسان ممکن نیست هر قدر بسوی تکامل
 رود معدلک نالقی خواهد بود چه که درجه کمالی بالاتر از وی مشاهده کند که هر وقت بدان ناظر شود
 باعث نارضایتی او از خویش خواهد شد . بهمین علت وقتیکه مسیح را Good Master خطاب
 مینمودند در جواب میفرمود " خوب فقط یکی است و آن خداوند است " خانم امریکائی مزبور اظهار نمود که من
 همیشه از اتحاد و اخوت نوع بشر صحبت مینمایم و بسیار سعادتمندم که در این مهلت زیارت شما سائل
 گشته ام و این تعالیم حیرتبخش را استماع مینمایم من بعرب میرم و این پیام را در آنجا منتشر مینمایم .
 حضرت عبد البها خطابا بشارا لبها فرمودند " بر ماست که جنبه کثیر تضادیت و نفاق از عالم رخت بر
 بندد و محبت و وفاقی حاصل گردد و ارواح از زنجیر خرافات و موهومات آزاد شود . شما بایستی در این راه
 خدمت کنید و وسیله اتحاد نوع بشر شوید .



قصیده از جناب سینا سد هسی

گرت هواست که بینی رخ مسمی را

بنار عشق بسوزان حجاب اسما را

بیا مشاهد مکن در قیصر قدس بدیع

تجلیات ظهور جمال ابهسی را

بچشم سرنگرد رتغنیسات بهما

تشمعات طلوعات شمس اعلی را

ای اطوائف عشاق فی دیار الله

بنام دوست بگیرد ملک دلها را

هلاجه جای شکایت ز ظلمت است که نور

جو آفتاب منور نموده دنیا را

بگو بزاهد و رهبان که مشرق الانکار

فروشکست بهم کعبه و کلیسا را

شکست رونق کل ملل چنانکه شکست

ولا دت نبوی بارگاه کسری را

بها زغیب بقابرقع از جمال گشود
برآر هلهله یابهی الابهسی را
زوال دوره ظلم است ایها الاحباب
برآورد بگردون صغیریشری را
که عنقریب ببیتید حال ذئب ظلم
همان طریق که دیدید حال رخشارا

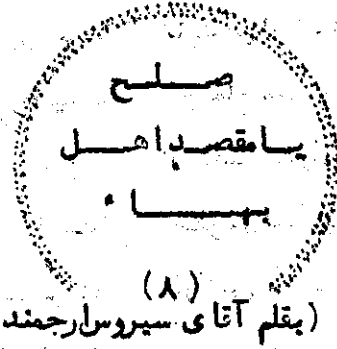
کسونکه شهره بمستی شد میده می عشق
ز طعن خلق چه باک است رند
سروشک دیده من از حساب بیرون است
که کس بکیل نیاموده است نوبارا
سراغ گوشه نشینان ز شیخ شهرمگیر

که پشه پی نبرد آشیان عنقار را
ز اهل قال مقالات وجد و حال و مپرس
خبرمگیر ز خفاش حال حرکات را
ز چشم غیرمبین بر شمائل محبوب
ببین ز دیده مجنون جمال لیلا را
سکون و سیر مراد رمد ار عشق ببین

اگر ندیده ای پرگار یای برجا را
بشست اشک من از عشق او ز صفحه دهر
حدیث یوسف و افسانه زلیخارا
فروغ طلعت ابهی روان سینی سوخت
چنانکه شمشعه نور طور سینا را

(۱) عاشق آفتاب است و همیشه بان نگاه میکند
مانند بوتیمار که عاشق آب است و چون
پروانه کسه عاشق شمع است و بلبل که عاشق گل
است .

بقیه از شماره قبل: و افراد لایق این مقام و این نژاد عالی را قیم خود تشخیص داد و بالنتیجه ثوری کامل مسئله نژادی (راسیسم) را بیان کرد و ذکر نمود که خون سیباصلی همه نعلالیتها است و اگر انسان گوش بیبسام نژاد



کلیه نظریات این دسترا مطالعه خواهیم کرد و دلائل شکست این فلسفه را بیان خواهیم نمود. بخش سوم چگونه طرفداران جنگ راهی بخطا میروند.

خودند هد از میان خواهد رفت و ارتقا یا انحطاط ملل سیباطاعت یا فرمانبرداری از این فرمان نژادی است.

کم کم این نظر صورتیک ایمان حقیقی بخود گرفت و آهسته آهسته هد فتهائی هرگونه سیاست داخلی و خارجی گردید و عقیده برتری آلمان بوجود آمد و در ترقی و پیشرفت (نژاد برتر) کوششها شد تا بالنتیجه چنانچه در کتاب مشهور موجود جنگ در این دوره مذکور است اساس افکار آن حزب گردید و آتش افروخته گشت که شعله اش جهان هستی را فراگرفت.

باری ای خواننده محترم ملاحظه کردی که چگونه اینان و جمعی کثیر از هم قلمان و همفکران ایشان رسالاً و کتابهای بیشماری در تحریف و تمجید جنگ برشته نگارش آوردند و نبرد را دای هر دوی و مرهم هسیر زخمی شمردند و تمدن امروز جهان را مرهمون آن دانستند و برای آن قدرت خلافت و تهذیب و تطهیر بیان کردند و همچنین جنگ را برای استحکام بنای ملیت بهترین وسیله دانستند و بیسمارک را برای نمونه شاهد آوردند تا بالنتیجه از این عشق سوزان به برتری که زائید ما افکار طرفداران جنگ بود آتش شوقی جستن کرد و خرمن هستی بشر را بمشتی خاکستر تبدیل نمود اکنون ما

* حضرت کبریا در انسان جنگ و دندان سباع رزق خلق نموده بلکه وجود انسانی با حسن التقسیم و نهایت کمالات وجودی ترکیب و ترتیب شد لهذا سزاوار کرامت این خلعت است که با لغت و محبت نوع خویش پردازد. (حضرت عبدالبها - لوح دوندا)

در بخش سابق اشاره کردیم و افراد ی را نام بردیم که جنگ را لازم میدانند و آنرا سبب ایجاک نژاد عالی می شمردند و آزادی را بسته بدسته شمشیر میدانند و نصیحت میکنند که مردان همیشه تکلیف خود را بر آن کنند و مثالها آورند که فی المثل تسلسل موقعی که از شمشیر مسلمانان خون میچکیدد از آزادی عزتی بودند و ... اکنون کلیه دلائل مذکوره در آن مقاله را مورد توجه قرار میدهم و یک یک را مینمائیم و علل شکست اینگونه فلسفه ها را بیان میکنیم.

در اول مقاله سخن از این رفته بود که میگویند مبارزه قانونی است طبیعی و میل بتعددی و عدوان از غرائز بشری میباشد. آری اینکه مبارزه قانونی است طبیعی منکری ندارد و همه میدانند که تنازع در عالم خلقت ناموس ازلی و قانون عمومی است

بزندگی اجتماعی روی میآورند و ناگفته پیداست که اجتماع محصول و نتیجه تعاون و تعاضد است نه اطاعت از غرائز. بطور خلاصه در حیات انسان غریزه حکومت نمیکند و بشر اسیر طبیعت نیست بلکه قواعد و قوانین اجتماعی است که اختیار انسان را بدست خود میگیرد حضرت عبدالبهاء میفرماید:

" نگاه کنید ببینید جمیع کائنات ابد از عالم طبیعت تجاوز نتوانند اسیرند - ولی انسان آزادی را آزاد است زیرا طبیعت را خرق میکند مثلا ملاحظه کنید انسان با اقتضای طبیعت ذی روح خاکی است ولی در هوا پرواز میکند و این خلاف طبیعت است " (خطابات مبارکه جلد اول ص ۷۴) پس در این مرحله میبینیم انسان مجبور نیست از غریزه ظلم و تعدد و جنگ وجدال خود پیروی کند بلکه بساید بتعاون و تعاضد پردازد و به همکاری قیام کند.

بقول یکی از نویسندگان " آنانکه جنگ را نیکو شمرده اند در انتخاب مبارزه بظن ارفته اند و دست خود را دشمن گرفته اند و در این طریق غلط اسکنند و راجد اند استند و سقراط را اعدام کردند. جنگ نیکو و پسندیده است ولی جنگ با نفس اماره و صفات ذمیه چون حرص و خودخواهی. این است که جهاد اکبر که بنیاد پیمبران و رهنمایان عالم بشریت برای اثبات آن جان شیرین برکف گذاشتند و مردان در ترویجش کوشیدند و بدون این نبرد حیات ممتنع و محال است و باید با این صفات زدیه جنگید تا بحکم بقای اصلح در ساخت حیات برگزیده گردیم و افراد منتخب عالم هستی شویم. (تاتمام)

همه چیز با همه چیز در جنگ است ولی هزار فرق است مابین جنگی که ما خود بریا میکنیم و جنگی که در طبیعت مشاهده میشود. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

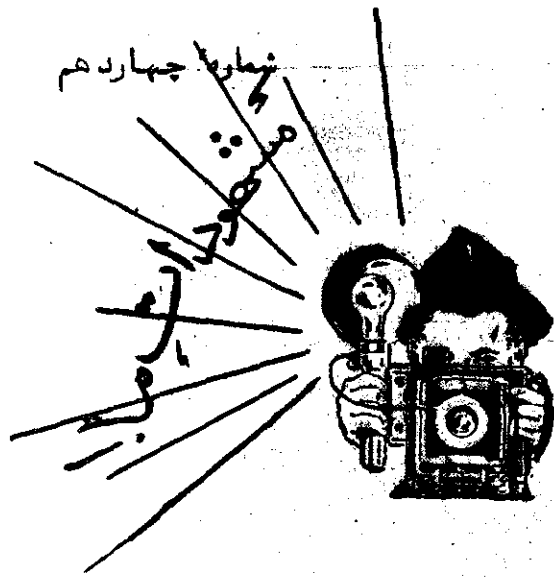
" طبیعت جنگجو است طبیعت خونخوار است طبیعت غذا را است زیرا طبیعت بیخبر از حضرت کرد گار است. " آنانکه میگویند جنگ از غرائز بشری است از این نکته غافلند که همینکه بشر با هر مرحله اجتماعی گذاشت سراز حکومت غریزه میبچد و از زندگی حیوانی دور میگردد و قوانین جمعیتی را که بحسب مقررات اجتماعی بر آن رسمیت داده اند تبعیت میکند تمام کوشش چندین هزار ساله بشر و تمام زحمات و لطماتی که در راه ایجاد تمدن امروزی کشیده است مبارزه و مقاومت بر ضد قوای طبیعی و غرائز نفسانسی بوده است چه که اساس تمدن یا فرهنگ که عبارت از مجموع نظامات و مقرراتی است که جامعاً آنرا مدون میکنند خود مبارزه و جنگ با طبیعت است.

دانشمندی که در علم تطویر و تحول و با علم نشو و ارتقا بحث میکنند مباحثه آنها در دو عالم نبات و حیوان فقط از نظر بیولوژی (علم الحیات) و فیزیولوژی (وظائف الاعضاء) است و همینکه بسرحد عالم انسانی میرسند دم فرو میبندند و از جهت مدنیت وارد بحث نمیگردند یعنی فحش در این موضوع را مفهومی ندارند. سوسیولوژی (علم الاجتماع) مخول میدانند. منظور این است که اگر در عالم حیوان فقط بوظائف الاعضاء و علم الحیات نظر میانداختند چون بیک فرد انسانی میرسند که جزئی است از بیک اجتماع دیگر جنبه حیوانی آنرا در نظر نمیگیرند و از حیات حیوانی

سال اول

آهنگ بدیع

مجمع جوانان



کسیون مجمع در سال جدید با اقداماتی برای پیشبرد و جالب بودن پرگرامهای مجمع جوانان مبادرت نموده و نیز در شرائط عضویت این موسسه امری تسهیل قائل شده است تا استفاده کلیه اعضاء الهی و اما رحمانی از جلسات و کنفرانسهای آن بنحوی احسن صورت پذیرد و در عضویت آنان اشکالی موجود نباشد بدین ترتیب که :

ورودی از ۱۵۰ ریال به ۶۰ ریال و ماهیانه از ۲۰ ریال به ۱۰ ریال و برای جوانان ورودیه از ۱۰۰ ریال به ۴۰ ریال و ماهیانه از ۲۰ ریال به ۱۰ ریال و برای محصلین ورودیه به ۲۰ ریال و ماهیانه به ۵ ریال تقلیل یافته است و علاوه ممکن است در قیمتهای مزبور برای اشخاصی بضاعت تخفیف داده شود .

در هر صورت چون مقصد شرکت عده بیشتری از اعیان و عضویت این موسسه مفید امری است حتی المقدور شرائط عضویت تسهیل شده و امیدوار است با استقبال شایان یاران رحمانی بموفقیتهای عظیمه در طریق نیل به هدف مجمع فائز شود .

در ایام ذیل پرگرامهای جالبی در مجمع بموقع اجرا گذارده میشود :

روزهای شنبه و چهارشنبه از ساعت ۷ بعد از ظهر موسیقی نطقهای مختصری راجع بمسائل عمومی و علمی و اخلاقی .

روزهای یکشنبه از ساعت ۷ بعد از ظهر مخصوص احتفالات جوانان و سایر اعضاء که مایل بحضور باشند

خواهد بود .

روزهای پنجشنبه از ساعت ۷ بعد از ظهر ورود برای کلیه اعیان آزاد است و مطالب سودمند بسمع عموم خواهد رسید . و نیز فیلمی که اخیراً از مقامات مبارکه تهیه شده در جلسات متعدد بمعرض نمایش گذارده میشود تا عموم اعیان بزیارت آن نائل گردند .

انجمن سخن

آخرین جلسه انجمن سخن روز پنجشنبه ۲۴ مرداد ماه ساعت ۶ بعد از ظهر با حضور قریب ۱۵۰ نفر از اعیان طهران و شمیران در تجریش تشکیل یافت پس از تلاوت مناجات مختصری از هدف و وظیفه انجمن و تاریخچه تشکیل آن بیان شد . بعداً منتخبانی از اشعار فارسی خوانده شد و پس نواختن قطعاتی از موسیقی غربی و توضیح آن نطق مفید در خصوص غدد داخلی و تاثیر آنها در اخلاق و روحیات انسان ایراد شد که مورد استفاده حضار واقع گردید پس از کربخ تنفس سه جلد کتاب بعنوان جایزه به خانم پری میثاقیه و آقایان سیروس ارجمند

وسپروس توفیق که در تنظیم فهرست کتب امری شرکت کرده اند توسط جناب شجاع الله علائی اهدا شدند و در آخر نمایندهٔ لجنهٔ جوانان مختصری در اطراف وظیفهٔ انجمن و طرح آیندهٔ آن سخن راندند. جلسه ساعت ۹ پایان یافت. (اختتام مدرسهٔ تابستانه)



در شماره های پیش خبر تشکیل مدرسهٔ تابستانه داده شد. مدرسهٔ تابستانه در دوره ۱۵

روزه در شهرمان تشکیل گردید. که در هر دوره حد اکثر ۴۰ نفر شرکت داشتند. مواد تدریس در دورهٔ دوم عبارت بود از قسمتهائی از کتاب مفاوضات توسط جناب عزیزالله سلیمانی و چند کفرائت توسط جناب دکتر هوشیار راجع بحقایق و نظریات مادیون که بسیار مورد استفادهٔ محصلین قرار گرفت. مثلاً سفانه چون عدهٔ ما و طلبین در دورهٔ سوم مدرسین بسیار کم بود ادامهٔ آن در دورهٔ اخیر میسر نگردید.

اولین جلسهٔ عمومی تشکیلات جوانان

روز جمعه ۴ / شهرالاسماء / ۱۰۳ بسدیم

مطلبی اول / شهرورماه / ۱۳۲۵ ساعت ۸ / ۵ صبح اولین جلسهٔ عمومی تشکیلات جوانان با حضور اعضا ۲۰ کمیون لجنهٔ جوانان و نمایندهٔ محفل مقدس روحانی تشکیل یافت. پس از تلاوت مناجات منتخبات از تواتبع مبارک حضرت ولی اسرارالله ارواحنا فداه بافتخار جوانان امریکا خوانده شد و پس از حصول توجه به وظائف خطیری که برعهدهٔ جوانان است جناب آقای قباد از طرف (۱۴)

عکس فوتانی و تحتانی منظرهٔ از جریان مدرسهٔ تابستانه را نشان میدهد

xxxxxx



محفل مقدس روحانی بیاناتی ایراد فرمودند .

سپس نمایندگان لجنه جوانان راجع به هدف لجنه جوانان در سال جاری که عبارت از "تزیید معلومات جوانان و تحکیم بنیان ایمان و عرفان آنان" میباشند و نیز شرط موفقیت در خدمات امره صحبت نمودند .

خانم نجیبه، سوفر از اربابان عراق که باتفاق فامیل خود اخیراً بمدینه طهران عزورود فرموده اند و در

احتفال مزبور حضور داشتند شمه از اشارات -

موفقیتهای و اقدامات احبای عراقی بسمع حضار

رسانیدند و موجب بهجت و سرور گشتند .

در آخر جلسه صورت کمیونهای لجنه بترتیب

ذیل اعلام و قرار تشکیل آنها داده شد .

- ۱- کمیون احتفالات شماره ۱
- ۲- کمیون احتفالات شماره ۲
- ۳- کمیون احتفالات شماره ۳
- ۴- کمیون احتفالات شماره ۴

۵- کمیون مرکزی احتفالات

۶- کمیون تنظیم پرگرام احتفالات

۷- کمیون مرکزی معلومات امری

۸- کمیون علم و معارف عصره

۹- کمیون تنظیم فهرست و نشریات

۱۰- کمیون مجمع جوانان

۱۱- کمیون ورزش و حفظ الصحه

۱۲- کمیون مرکزی تحری حقیقت

۱۳- کمیون مرکزی تبلیغ

۱۴- کمیون تکمیلی

۱۵- کمیون نشر نفحات

۱۶- کمیون کتابخانه و مطالعه

۱۷- کمیون هنرهای زیبا

۱۸- کمیون الفت

۱۹- هیئت مالی

۲۰- هیئت تحریره آهنگ بدیع

پس از تلاوت مناجات ختم توسط خانم نجیبه

سوفر کمیونها تشکیل و بانتخاب هیئت عامله

و قرارجلسات آتیه خود پرداختند . جلسه ساعت

۱۲ پایان یافت .

مواقف تشکیل لجنه جوانان بهائی طهران .

روزهای شنبه سه شنبه چهارشنبه ساعت ۶ / ۵

بعد از ظهر در حظیرة القدر س .

روزهای چهارشنبه از ساعت ۶ / ۵ بیعد وقت

پذیرائی لجنه میباشد .

مراجعة بکتابخانه

تا اطلاع ثانوی اوقات افتتاح کتابخانه بشرح ذیل

میباشد :

یکشنبه و سه شنبه ساعت ۴ بعد از ظهر

جمعه ساعت ۸ - ۱۱ صبح

تاریخهاییکه در قرن اول بهائی

دارای اهمیتند

شروع ساختمان مشرق الانکار عشق آباد ۱۹۰۲

استخلاص مبارک حضرت عبدالبهاء سپتامبر

۱۹۰۸

از قلعه بندی

استقرار عرش حضرت باب در ۲۱ مارس

۱۹۰۹

جبل کرمل

سال اول

پرفسور اگوست فورال فیلسوف

کتر فورال

معروف سوسی

که در عالم علم شهرتی

نقل از اخبار امری مهرماه ۱۳۱۰ سال دهم شماره ۷

(Professeur August Forel)

شماره چهاردهم

آن بشرح ذیل است :

اولین دفعه من

در سنه ۱۹۲۰ در شهر

کارلسروهه در باره دیانت جهانی بهائی که توسط حضرت بهاء الله پیغمبر ایرانی هفتاد سال قبل در شرق تاسیس یافته مطلع شدم این دیانت دین حقیقی است که مصالح اجتماعی انسانی را محفوظ میدارد و عوائد باطله و طبقه کشیش ندارد و جمیع نفوس را در خاکدان کوچک ترای ما متحد میسازد من بهائی شدم و نهایت آمل و آرزوم اینست که این دیانت از لحاظ خیر و صلاح عالم انسانی دوام و پیشرفت نماید. از این تاریخ بحد در نهایت همت بنشر تعالیم مبارکه و تدوین مقالات علمیه امریه که اغلب در جرائد و مجلات اروپا و امریکا انتشار مییافت اقدام مینمود و پیشرفت و تحمیم امر مبارک تنها علاج اسقام عالم و نجات اقصی کافه بنی آدم میدانست و تا نفس اخیر در این سبیل بذل مجهود مینمود پس از فوت فقید مزبور اغلب جرائد علمیه اروپا مقالات عدیده در اظهار نامف از نقد آن عالم متبحر درج نموده اند من جمله روزنامه آلمان Sonnder Wahrheit چنین مینویسد "اخیرا خبر حزن آروقات فیلسوف معروف و متبحر در علم (معالجه امراض دماغی) پرفسور اگوست فورال در سن ۸۲ سالگی انتشار یافته است جمیع این مقالات از روح خستگی نا پذیر و تفحص و تفرس دائمی او در مسائل علمیه و تبجیر زائد الوصف او در رفتون عدیده و کتب متعدد در علمیه که

بسزاداشت و در رفتون شتی ما هر و مشارالبنان و مخصوصا از طرفداران جدی و ناشرین اولیه امر بهائی در اروپا بلکه در کلیه عالم غرب بشمار میرفت در ۲۷ ژانویه ۱۹۳۱ پس ۸۲ سالگی از این عالم در گذشت و مملکت اناوارد اخل گشت. نقید مشارالیه اجله علمای طبیعی دان و مخصوصا در علم محالجه امراض دماغی معتبر و متفق علیه شناخته میشد و در معرفت نفس و علوم روحانی نیز نظریات و عقاید او مسلم و موثق بهار مخصوصا بملاحظه اینکه دماغ و سلسله اعصاب سیصد رقم مورچه را تشریح و مطالعه کرده و موسوم بخدوند مورچه گردید است و همین همت و حوصله که نقید مشارالیه در تفرس تحقیق و مطالعه مسائل علمی و فلسفی و تشریح دقیق ساختمان موجودات بکار برد و او را بصرفت الله رسانید و توافق علم و دین را عملا اثبات نموده است.

در سنه ۱۹۲۰ میلادی در خصوص امر بهائی از داماد خود که از احباب بوده مطالبی میشنود و بلا فاصله در صدد تحقیق و تخری حقیقت بر میآید در همان سال عریضه بحضور مبارک حضرت عبدالبها ارواحنا لرمسه الاظهرند اعرض و سئوالاتی درمید خلقت مسئله الهی و سایر مسائل غامضه مینماید در جواب لوح مهیمن غرای معروف بلوح دکتر فورال نازل و بمحض زیارت ایمان میآورد و در این موقع شرحی بعنوان سفارشنامه و توصیه مرقم و مابین اقربا و دوستان و آشنایان خود و بمسند مطبوع و مابین عموم منتشر میسازد که ترجمه قسمتی از

نتیجه کلمات والفاظی است که محرك بغض و کینه انسان میگردند و این رویه تماما مخالف اصول مسلمة علمی است اینک برای توضیح چند مثال ذکر میکنیم :

یکی از علل موجه جنگ آنست که ملل لسان یکدیگر را نمیفهمند مثل جنگ آلمانها بر علیه فرانسه یا بالعکس و لکن در عین حال چطور است که یکفرآلمانی الاصل که در فرانسه تولد یافته در موقع جنگ جانب فرانسه را میگیرد و یکفرانسوی متولد در آلمان طرفداری از آلمان میکند ؟ این قضیه را اغلب خود من مشاهده کرده ام از این جهت بود که در کتر زمانه سوف لهستانی از این قبیل کینه ورزیها که هیچ علت معقولی بر آن مترتب نیست متالم و متحسر گردیده لسان معروف بین المللی خود یعنی اسپرانتو را انتخاب نمود که اینک روز بروز در انتشار است ولیکن بعد ها باید لسان ضرورت تکمیل گردد بطوریکه مفهوم واحد کلمه واحد و مضامین متعدد داشته باشد از این گذشته بعضی دیگر اختلافات اجناس را بهانه جنگ مینمایند در صورتیکه اگر شخص آن نژاد هائیرا که اساسا از جنس پست و وزن دماغشان سبکتر است کنار بگذارند (بر طبق نظریه وندل* قریب هشتصد الی هشتصد و پنجاه بموض هزارگرم) این اشتباه عظیمی است چه تمام اروپائیهایی چینی - ژاپونی - هندو - سامیها - امریکائیهها - و دیگران از حیث نژاد مساوی هستند علیهذا باید برای شغف حقیقی این منازعات و جنگها سوای اختلافات لسانی و جنسی موجبات دیگری را تجسس کرد اینک پنج فقره از آن علل را ذکر میکنیم :

۱- مذاهب باید دیانت را از مذهب یا مسلک تشخیص داده و مابین آنها فرق گذاشت اصطلاح مذهب باید

اطلاق بمسالک و سنن و شعائری گردد که از مبدعات انسانی و بعد ها بصورت عقاید تعبدی درآمده است و در هر دینی مختلف بوده و در تمام نقاط عالم بواسطه روشای دینی تعدیم داد میشود مابینت مذاهب نفوس را از یکدیگر جدا ساختن جنگها را بر میآنگیزد که بخلط معروف بجنگهای دینی است و حال آنکه دیانت حقیقی بر عکس نفوس را متحد میسازد

۲- تسلط - خود پرستی و خود خواهی احساسات انسانی را ترغیب بتسلط بر دیگران مینماید مرد میخواهد بر زن فرمانروا باشد و بعضی اوقات زن میخواهد بر مرد حکم نماید انسان میخواهد بر حیوان بر زمین و بر اشیا حکومت و تسلط داشته باشد و علاوه بر همه بر سایر نفوس انسانی نیز حکمفرمائی نماید همواره میخواهد خواه بوسیله توه مجابره یا حیلله گری یا بوسیله هنرهای ید و مهارت در کارها یا بوسیله نطق و تالیفات و امثال ذلك فضیلت و برتری خود را بر دیگران اثبات نماید بدینا مادی را بخرد و آنها را محمولا میخواهند بر اطفال خود بعنوانین مختلفه تسلط داشته باشند و روح تسلط خواهی انفرادی یا اجتماعی بانهایت تاسف موروثی گردیده است و سد و مانع بزرگی است برای تحقیق آن معاضدت اجتماعی - مسالمت جویانه - برادرانه - بیطرفانه که در حال حاضر نسبت بآن نهایت احتیاج را دارا است

۳- طمع - ولیکن بعد تولد آن کینه شخصی ملی است که بواسطه پول و طمع و حرص پولی عمومی که امروزه جمیع عالم انسانیت را فاسد ساخته بوجود آمده است معالجه این حالت منحصر بفرود آن

۱- مذاهب باید دیانت را از مذهب یا مسلک تشخیص داده و مابین آنها فرق گذاشت اصطلاح مذهب باید

در دسامبر ۱۹۱۷ قبل از اینکه من امر بهائی را شناخته باشم با مساعدت مقدس مآب چپرن * کتابی موسوم به "دیانت صلاح اجتماعی" منتشر ساختیم در زمان ۱۹۱۹ من آنرا تکمیل نمودم و عبارت "دیانت علمی" را بر آن افزودم تا آنکه در سنه ۱۹۲۱ در منزل داماد خود م. به دیانت بهائی معرفت یافتیم و آنوقت مستقیماً خدمت حضرت عبدالبهائیه منوچهریه داشت عرضم عرضم کردم . . . و پس از آن چون ملاحظه کردم که کتاب "دیانت علمی در صلاح اجتماعی" درقبال تعالیم بهائی قاصر و غیر ضروری است آنرا جمعاً وری کردم و مانند داماد خود دکتر آ. برونس بهائی شدم .

بعضی مباحث فلسفه روحانی قویاً عقیده منند و اول آنها مربوط باصطلاح (خدا) است کلمه "خدا" را ممکن است با انواع مختلف تفسیر کرد تمام مذاهب موحدین بیک خداوند قادر متعال ایمان دارند ولیکن در حالیکه بعضی او را قاطبی تجلی از هیکل انسانی میدانند مگر تامل بمبده واحد (نظریه بعضی فلاسفه مترجم) هستیم و عبارات از قوه کلیه فاعله عالم کون میدانیم که برای نوع بشر مستحیل الادراست لابد بر اینست که بین این دو اظهار رای در باره خداوند توافق حاصل شود تعالیم حضرت بهاء الله در این موضوع بینهایت روشن و واضح است و البته در موقع منقحی ادراکات انسان در باره خداوند که اکنون اینقدر باختلاف اقالیم و طبایع مختلف گردیده متوافق شده و بیک عرفان حقیقی خواهند انجامید . بعضی امور بسیار مهم هست که بهائیان باید

اول و قبل از همه باید خود را فوق حدودات ملل و کاملاً برتر از حتم عزائمه دیانتی نگاه دارند شخص بهائی نباید عقاید موروثه و یا افکار دیگری را که در آنها حقیقت با آراء باطله مخلوط شده بحتائق بهائی خویش مزبور نماید او باید از کشف عالم ماوراء الطبیعه و از تحصیل منیع لایصرف خودداری نموده در روی زمین تمام وقت خود را صرف خیر عموم و مصالح اجتماعی نوع بشر نماید .

کتفوسوس دره قرن قبل از مسیح فرموده " مردم چهار زبان تمام برآوردند آنچه بخورد نمیسند ی بسه دیگری رواندار شاعر و مانی ترنسخ قریب ۱۷ سال قبل از مسیح گفته من یکی از افراد انسانم و تصور میکنم جمع حوائج بشری برای منم لازم باشد وظیفه ما بهائیان فقط اینست که از خدا بگوئیم و در باره او تفکر و تدبر نمائیم بلکه وظیفه ما آنست که در خیر و صلاح اجتماعی ساعی باشیم . (از طرف کجنه ارتباط شرق و غرب - ترجمه شیرالمی)

و آن استقرار معاضدت حقیقی در استقبال است که من شرح آنرا در جای دیگر مذکور داشته ام و نمیتوان این مسئله مهم اجتماعی را بطور شایسته در اینجا شرح و بسط داد

۴- مشروبات الکلی - منع کامل ورود مشروبات الکلی بممالک متحده آمریکا و فنلاند و ایسلاند نمونه اقدام - جسورانه و شجاعانه بدست میدهد که همه ممالک باید بر طبق این سرمشق عمل نمایند زیرا تجارت مشروبات الکلی مشغول تر از هر چیزی است زندگانی انسان و حتی منزور روح انسان را مسموم میکند . بعلاوه آن سلولهای زندانیان را فاسد میکند و اینجمله من آنرا ام المفا^{سد} خواند نام

۵- تصرف گمرکی - حقوق گمرکی و عوارض ملل للتجاره به حدی زیاد شده و تیودات و سد های که برای وصول عوارض و مالیاتهای گوناگون از طرف ممالک وضع شده بتدری زیاد است که تنفروا نزجارملی تولید نمود ما ست و اسهل علاج آن اینست که مبادلات اجناس بین المللی را مقید نسازند بعبارة دیگر تجارت آزاد باشد .

بنابراین بایستی کم کم بوسیله تشکیل یک جامعه مللی که مبتنی بر روح معاضدت باشد اساس جنگ را بر انداخت و این جامعه فوق ملل باید قوای نظامی دولتی را تقلیل دهد و در همه جا بتدریج و لکن بطور اطمینان بخش خدمت لشگری را بخد مت کشوری مبدل سازد . بنا بر آنچه ذکر شد دیانت بهائی ما با اصول دوازده گانه و فقدان مذهب که تعالیم آن حاکم مافوق ملل و روحانی است بدون آنکه کهنه پرستی و طبقه علمای دینس مخصوص در آن وجود داشته باشد دیانت حقه و محتاج الیه امروزه عالم است .



آهنگ بدیع

سال اول

سوال الله

مخصوص اطفال

ای کودک عزیز توجه بملکوت اعلی کن و این مناجات بخوان پاک یزدانا صغیرم پستان عنایت راندی عزیزکن و از شهک و شیر بخشش نشو و نما بخش و در آغوش معرفت پرورش ده در کودکی آزادگی و فرزادگی بخش ای بی نیاز محرم ملکوت راز نما تویی مقتدر و توانا . ع

روح الله در حضور حضرت عبدالبها

جواب آقای هوشنگ تام (۷ ساله)

فرزند ان عزیزم بطوریکه بشما وعده دادم ایندفعه میخواهم داستانی روح الله را برای شما حکایت کنم که حضرت عبدالبها باوجه فرمودند و آنچه جواب داد :

روح الله باید رخود بعارفت تا حضور حضرت عبدالبها مشرف شود او شنیده بود که حضرت عبدالبها بسیار مهربان هستند همه مردم را دوست دارند و همه محبت میکنند ولی خیلی میل داشت که از نزدیک ایشانرا زیارت کند پدر با او وعده داده بود که با خودش او را بعهده برد و حضرت عبدالبها را زیارت خواهد کرد .

روح الله خواب و خوراک نداشت مدام منتظر بود تا آنکه بمقصود رسید .

و تئیکه حضور حضرت عبدالبها مشرف شد خیلی شاد بود زیرا هیکل مبارک نسبت باو خیلی محبت فرمودند حضرت عبدالبها یا میفرمودند " روح الله مناجات بخوان " و او هم بالحنی بسیار خوب و با آواز بلند مناجاتهای را که از پدر داشت میخواند حضرت عبدالبها میفرمودند " احسنت احسنت مرحبا مرحبا "

مربوط بمضابقه چرابد رس اخلاق میروید ؟
باشهادت والدین خود این جواب را داد فاست
" برای آنکه جامع جمیع کمالات انسانی بشویم و
دیگر آنکه اخلاق امریمان خوب بشود و خدمت بعالم
انسانی کنیم . "

اطفال عزیز برای اینکه عمه شما بتوانید در مسابقه
چرابد رس اخلاق میروید ؟ شرکت کنید مدت این
مسابقه را تا پانزدهم مهرماه تجدید میکنیم

روز بروز محبت اونسبت بحضرت عبدالبها بیشتر
میشد و حضرت عبدالبها از ارقوق العاده دوست
داشتند روزی حضرت عبدالبها از او سؤال فرمودند
روح الله اگر آن قائمی که مسلمانها بآن اعتقاد
دارند و منتظر او هستند بیاید توچه خواهی کرد ؟
روح الله با کمال ادب و وقار جواب داد :

قریان او را تبلیغ میکنم و یاد لیل و برهان ثابت خواهم
کرد که قائم مسعود مسلمانان همان حضرت باب
هستند .

حضرت عبدالبها از هوش و ذکا و ادب او بسیار
خشنود شدند و آفرین و مرحبا فرمودند .



«همچو گمان نرود که اهالی ایران در ذکا»

خلقی و فطانت و دها، جلی واد راک و شعور فطری و عقل و نهی دانش و استعداد طبیعی از مادون دون و بیست ترند. استغفرالله بلکه در قوای فطریه سبقت بر کل قبائل و طوائف داشته و دارند. (عبدالبها، از رساله مدنیه حضرت)

میباشد صیحون در سال ۹۷ بدیع یعنی ۱۳۱۹ دوره دبیرستان یانزده بهمن را پایان رسانید در شهر ریور همان سال وارد دانشکده هنرهای زیبای رشته مهندسی مصماری را انتخاب نمود و در تمام مراحل تحصیلات عالی همیشه دارای رتبه ممتاز و عالی بود.

صیحون مثل اغلب هنرمندان دارای خلقی سلیم و روحی آزاد و چهره محجوب و بالا خـو شرائط یک جوان هنرمند بهائی را داراست که با توجه مختصری بچهره روحانی و بشاشش میتوان پی با احساسات عالی اخلاقی و صفات حسنه اش بر با وجود یک اغلب محصلین دانشکده میدانستند صیحون بهائی است و شاید این موضوع برای آنها چندان دلنشین نبود ولی همیشه محبوب القلوب و مورد توجه محصلین و استادان دانشکده بود طرحهای مهمی که این جوان هنرمند در دوره تحصیلات عالی به پایان رسانیده است بسیار جالب و سر ارزش میباشد و عبارتست از:

- ۱- طرح عمارتی برای آسایشگاه (ساناتوریم) که مابین تمام طرحهای دانشکده رتبه اول را حائز گردید
- ۲- طرح درب موزه ایران باستان که نیز مورد

نام هنرمندان و اربابان ذوق و قریحه همیشه در جوامع مترقی و متمدن سرلوحه مطبوعات و انتشارات بوده و میباشد و حتی صفحات تاریخ نیز مملو و مشحون از نام بزرگ و جاویدان هنرمندان و صاحبان استعداد و قریحه میباشد بنابراین جای شگفتی نیست که ما نیز در این شماره آهنگ بدیع و سایر شماره های آتسی یکیک هنرمندان بهائی و ارزش هنر آنها را که متأسفانه در رفته فراموشی نهاده شده است بخوانندگان عزیز آهنگ بدیع معرفی نمائیم:

یقیناً اغلب جوانان بهائی نام هوشنگ صیحون را شنیده اند. هوشنگ صیحون که اینک ۲۵ بهمن از عمرش میگذرد مثل اغلب جوانان بهائی در دامان پرمهر و محبت پدر و مادر تربیت بهائی یافت پس از اینکه دوره ابتدائی و چند سالی از متوسطه را در مدرسه تربیت بی پایان رسانید بمدرسه یانزدهم بهمن وارد شد همان هنگام علاقم نبوغ و استعداد فوق العاده در ناصیه اثر هویدا بود هنگامیکه قلمش بر اختیار روی صفحه کاغذ بحرکت میآمد نقشهای دلپذیر و بسعی بوجود میآورد که همه را متعجب میساخت. تابلوهای زیبای نقاشی او که در دوره تحصیلات متوسطه بانجام رسانیده است معرف آتیه درخشان آن جوان هنرمند



توجه واقع گردیده است .

۳- طرح تابلوی بنام جزیره یاد بود که بایک نظرسر
میتوان پی با احساسات و افکار این هنرمند جوان برد .
یا آخره آخرین طرحی که صیحون برای اخذ درجه
مهندسی معماری تهیه نمود زیباترین و دقیقترین طرحی
است که تا بحال در دانشکده معماری طراحی شده
است و عبارتست از طرح یک قصر بیلاقی برای یکفرهنگر
دوست که روی یازده نقشه بزرگ انجام شده است
این طرح با ارزش ممتاز مورد تصویب شورای عالی دانشکده
قرار گرفت صیحون در ۱۳۲۳ موفقی با اخذ مدال
از اعلیحضرت شاه گردید . کارهای برجسته او پس از
فراغت از تحصیلات عالی عبارتند از تزیینات تود کوراسین
بعضی از عمارات و نمازخانه های بزرگ تجارتنی و چندین
ساختمان شخصی . اهل فن بتدریج پی با استعداد و
لیاقت صیحون میبندند هنگامیکه موسسه راه آهن لنتی
ایران طرح بنای یادگار نشان لیاقت بنگاه راه آهن
دولتی را مابین مهندسين ایرانی و خارجی بمسابقه
گذاشت صیحون رتبه اول را حائز و موفق با اخذ جائزه
اول گردید (بطوریکه در عکس فوق مشاهده میگردد)
هنگامیکه بازمسابقه بین فارغ التحصیلان دانشکده
هنرهای زیبا برای طرح بیانی جهت مزار یادگار آسو
علی سینا گذاشته شد این پائل گدشته صیحون نیز فاتح
و موفق گردید و عنقریب بنای آن در همدان شروع میشود
خدمات امری صیحون : صیحون در تمام مدت تحصیل
تحصیل و پس از آنی را ختم نمود شما میتوانستید ا

اوراد و حظیرة القدر س هنگامیکه مشنول طرح نقشه
میباشد ببینید . تزیینات حظیرة القدر س آنچست
مربوط بینا است با اوست از کارهای مهم اوتزیینات
زیرگنبد میباشد که مرکب است از ۸ اطواس که اشاره
است به ۸ حروف حی بطوریکه این ۸ اطواس دارای
۹ شاه پر میباشد که اشاره بکلمه بهامیباشد این
طرح که اینک ساختمان آن پایان رسیده و رنگ
آمیزی نیز شده است چشمان همه را از زیبایی و تناسب
و ابهت خیره مینماید . حجارهای قسمت بالای
صحنه سالن مرکزی حظیرة القدر س ملی که طرح آن به
پایان رسیده مولی هنوز در جایشر نصب نشده است
حالیترین شاهکار صیحون است این طرح که بانهاست
استاد یحجاری شده عبارتست از تجسم تاریخ دیانت
مقدس بهائی که عبارتست از کتابی که از میان اوراق
آن اشعه های تابنده را بهی ساطع و در کنارهای
اشعه و تاریخ ظهور حضرت اعلی و حضرت بهاللمه
منقوش و تکیه این کتاب بشهدا و مومنین است که در
زیر قل و زنجیر آنرا روی شانه های خود نگاه داشته اند
دیگر از طرحهایی که از صیحون طرح ساختمان برج
آب حظیرة القدر س میباشد که با ارتفاع ۱۸/۶۰
مترو دارای روح شرقی و متناسب با بنای اصلی
حظیرة القدر س است . دیگر از کارهای صیحون طرح
و تخییر جبهه ساختمان سالن گلستان جاوید طهران
را میشود نام برد که در شرف انجام و دیگر طرح بعضی
از مراقد گلستان جاوید میباشد .

مجله آهنگ بدیع نیز از کمکهای فراوان صیحون
بینصیب نبود و هرآن که برای کمکی با مراجعه میشد
پاروشی گشاده مسئول آهنگ بدیع را اجابت مینمود
روزی که برای تماشای نمایشگاه هنرهای زیبا رفت
بودم مشاهده شد که قسمتی از سالن بزرگ نمایشگاه
را بکارهای و طرحهای زیبای او اختصاص دادند
بالاخره استعداد و ذوق و تقوی صیحون کار خود را
کرد و اینک که این کلمات روی کاغذ میآید او فرسنگها
از ماد دور میباشد زیرا باید عوت دولت فرانسه صیحون
و چند نفر دیگر از محصلین ایرانی برای تکمیل تحصیل
خود با سلطان مسافرت نمودند .

دل ندایم غا شقم محذور دار
 پیرو جوان مست این گفتار که نماز آخوند قفقازیه
 پایان رسید مریدان چند خورجین روی هم نهاده
 مانند منبری ساخته و آخوند بر فراز آن نشسته زیان
 بگفتار گشود و مسائل فرعی را برای مریدان تشریح
 مینمود و اختلاف فتاوی را در هر مسئله ذکر میکرد
 گاهی از طهارت سخن میراند و زمانی بذکر نجاسات
 دهن میکشود گاهی در روای شکیات سرگردان
 و زمانی در پیدا ای سهویات حیران تا آخر کار دانسته
 مذاکرات بفضیلت نماز جماعت رسید امام قفقازی
 میگفت اگر جمیع دنیاهای عالم مرکب شود و جمیع
 اشجار با قلم تبدیل یابد و تمامی سطح زمین و آسمان
 بکاغذ و همه ممکنات از شکر و ملک بکتابت پردازند از
 نوشتن ثواب مؤمن که نماز جماعت بخواند خود را
 عاجز یابند و قاصر بینند • جوان و پیر قلیل مدتی به
 سخنان قفقازی گوش داده در این مقام جوان از پیر
 پرسید آیا در شریعت و آئین بهائی صلاة جماعت
 موجود است ؟ پیر فرمود ای جوان نورانی در کتاب
 اقدس حق منیع صلاة جماعت را حرام فرمود بهائیان
 راسه صلاة است که باختیار خود حریک را خواهند
 انتخاب کنند و تنهائی یعنی نرادی بجا آورند
 یکی صلوة کوچک است که وقت معین آن اول زوال
 یعنی اول ظهر است دیگری صلوة وسطی است که
 در سه وقت بکروزوال و اصیل یعنی صبح و ظهر و غروب
 آفتاب است و دیگری صلوة کبری است که وقت معین ندارد

خواهری نیز برای حضرت عبدالبها موجود که از هر
 حیث مظهر صفات برادر بزرگوار خود میباشد مشارالبها
 سه سال از حضرت عبدالبها کوچکتر هستند و در جمیع
 مصائب و بلاهای نازله شریک و سهیم بوده و هستند خلا
 در هیچ عهده پیمان باین محکم و میثاق باین استحکام
 در شماره مبین کتاب گرفته نشده و نظر بهمین متانت
 اخذ عهده و میثاق بود که بوالهوسای چند از منسوبین حضرت
 خواستند بعد از صعود جمال مبارک اختلافی ایجاد کنند
 و نقض عهده نمایند ولی قدرت میثاق الله و قوت مرکز پیمان
 الهی شمل آنان را متشتت و جمششان را متفرق فرمود
 فرج کید هم الی نحرهم امروز آفاق عالم بنور مرکز عهده منور
 است و مشام روحانیان از انفحات قدسش معطر و وحدت
 کلمه اهل بها محفوظ است و قوت کلمه الله مشهود و
 این همه از قدرت مرکز میثاق است که با آثار قلم معجز شمیم
 خویش معجزاتی آشکار فرماید •
 گریگوریم شرح آن بیحد شود

مثنوی هفتاد من کاغذ شنود

من چه گویم بکرگم هشیار نیست

شرح آن یاری که اورا یار نیست

مدح او حیف است بازند انیان

گویم اندر مجمع روحانیان

یک دهن خواهم ببهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

بیش از این گفتن مراد رخوی نیست

بحر را گنجایش اندر جوی نیست

و هر وقت انسان در خود حالت توجه و خضوع بیند
 میتواند بجای آورد صلات کوچک را غیر از وقت زوال
 در سایر اوقات نمیشود خواند زیرا وقت مختص بآن حین
 زوال است صلات وسطی و قش زیاد است یعنی
 صلات بکورت میتوان از طلوع صبح تا وقت صلات دیگر
 بجای آورد یعنی وسعت وقت انجام آن ظهر است و
 صلات ظهر را تا غروب میتوان بجای آورد و صلات اصیل
 را تا دو ساعت از شب گذشته باید بجای آورد و اگر در سفر
 یا حضر یعنی صلات فوت شود اعاده خود نماز جائز
 نه بلکه باید قضای آنرا (با اصطلاح) بجای آورد و
 آن عبارت از سجده است که در عرض هر صلات بجای
 آورده و پس از آن باید بهیكل توحید یعنی چهار زانو
 نشست و ذکر مخصوص دارد که ۱۸ مرتبه باید گفت
 شرح این جزئیات در رساله سؤال و جواب مسطور
 است که سئوالات آنرا جناب زین العزیز نجف آبادی
 که از قدمای احباب است از ساحت اقدس جمال مبارک
 پرسیده و جواب آن از مظهر حضرت بهاء الله صادر
 و جاری گردیده است باری بر هر فرد بهائی بجا آوردن
 یکی از سه نماز مزبور در هر شبانه روز واجب و اختیار
 انتخاب با خود نماز گذار است و هر يك مجری شود از
 دیگری کافیست اما صلات جماعت چنانچه ذکر شد بر
 بهائی حرام است مگر در صلات میت که بهیئت اجتماع
 تلاوت میشود یعنی یک نفر تکبیرات شش گانه و آن کار مخصوص
 را با صدای معتدل میگوید و دیگران که بتشییع جنازه
 آمده و حاضرند آنرا آهسته میگویند صلات جماعت در
 اسلام که تشریح شده دارای حکم و مصالح بسیار بوده
 ولی هوی پرستان ریاست طلب آنرا وسیله اشغال
 و تفریح و تزلزل و بیادینه نزد علی علیه السلام فرستادند
 (تاتمام)